

عنوان مستند آموزشی: انتشار بخشهای مختلف یک پژوهش در چند مقاله. آری یا خیر؟

نویسنده: دکترمهرداد جلالیان

وبسایت: <http://www.DrMehrdad.com>, ایمیل: drjalalian@yahoo.com

تاریخ انتشار: 5 آبان 1391

تاریخ آخرین بازبینی: 9 مرداد 1393

توسط ویراستار انگلیسی الاصل نشریه پزشکی الکترونیک
بهره‌آرائه سر تیغیگیگیت ادیت انگلیسی

ویرایش انگلیسی الاصل

(American / British)

مورد تایید دکترمهرداد جلالیان

ویرایش انگلیسی الاصل (American English, British English)

(توسط ویراستاری که مقالات آموزشی انگلیسی دکتر مهرداد جلالیان را ویرایش می کند)

تماس با نشریه پزشکی الکترونیک, جهت کسب اطلاع تکمیلی:

وبسایت: <http://www.PezeshkElectronic.IR>

ایمیل: Contact@PezeshkElectronic.IR

نشریه بین المللی پزشکی الکترونیک, حاوی اخبار پزشکی, علمی و پژوهشی, اطلاع رسانی کنفرانسها و همایشهای داخلی و خارجی, بورسیه ها و شغلها و موقعیتهای آموزشی و پژوهشی, ستون مطالب آموزشی مرتبط با روش تحقیق و مقاله نویسی.

شیوه: خبری, تحلیلی, آموزشی, پژوهشی و اطلاع رسانی

تاسیس: 1386 **شاپا:** 2008-0913

شروع مطلب:

این یک سوال و یا یک موضوع خیلی خیلی شایع در بین پژوهشگران ماست. این سوال را پایه ای قرار دادم بر آنکه بعد از دو سال یک مطلب Basic را در زمینه آموزش اخلاق پژوهش و اخلاق انتشار به مطالب قبلی مرتبط با اخلاق پژوهش در وبسایتم اضافه کنم و در ادامه این متن ضمن ارائه داستانها و کیس های واقعی و آموزشی و پرسش و پاسخهای متعدد, سعی خواهم کرد که به این موضوع بسیار مهم در موضوع تولید و انتشار نتایج پژوهش بپردازم.

تعریف:

Salami publication و یا Salami Slicing به پدیده ای گفته می شود که دو یا چند مقاله از درون یک پژوهش منتشر شود که جامعه مورد مطالعه, متدلوژی و سوالات پژوهش یکسان و یا تشابه زیادی داشته باشد. بسیاری از مجلات مدتهاست که ضوابطی را برای اسکرینینگ مقالات وارده از نظر سلامی پابلیکیشن طراحی کرده اند که از انتشار این مقالات جلو گیری شود هرچند که بسیاری از مجلات هم با این گونه از مقالات مشکلی ندارند. البته تشخیص مقالاتی که از درون یک پژوهش یکسان بصورت مجزا برش خورده باشند همیشه کار ساده ای نیست و حتی از آن که بگذریم و بالاتر برویم, اصلا یک موضوع دیگر هم هست و آن هم این است که برخی مواقع ما مجبور هستیم که نتایج

یک پژوهش (مثلا یک پژوهش اپیدمیولوژیک بزرگ با نتایج گسترده و دسته بندی شده کاملا متنوع) را در بیش از یک مقاله منتشر کنیم و انتشار همه نتایج در یک مقاله غیر ممکن خواهد بود. بنابراین امیدوارم مطلبی که در اینجا نگارش می کنم بتواند ایده مناسبی به پژوهشگران بدهد که بتوانند تشخیص بدهند که چه زمانی باید از چه کاری پرهیز کنند. بنظر اینجانب، سالامی پابلیکیشن به ضرر پژوهشگر است حتی اگر منع قانونی هم وجود نداشته باشد. دلیل آن را در مثالی که در ادامه خواهد آمد تحلیل خواهم کرد.

یک مثال عینی:

فرض کنیم یک دانشجوی دکتری در پاکستان براساس راهنمایی استادش می رود و بر روی جامعه دختران فراری در شهر لاهور پاکستان پژوهشی انجام می دهد تا اختلالات رفتاری این جامعه را بررسی و ارائه کند. فرض کنیم که ایشان بعد از جمع آوری داده ها از روی چهارصد نفر از جامعه مورد مطالعه، پیدا می کند که یکی از اختلالات رفتاری شایع در این گروه از دختران، اعتیاد به مواد مخدر است و احتمالا یکی دیگر از اختلالات رفتاری احتمالا شایع در این جامعه، ارتکاب دزدی و اختلال دیگر هم که شاید شایع باشد تن فروشی است. حالا ایشان می تواند یک مقاله ای بنویسد که عنوان آن چنین باشد:

"بررسی اختلالات رفتاری شایع در دختران فراری در شهر لاهور پاکستان در سال 2012"

ولی ممکن است ایشان به قول خودش زرنگی بکند و برود و بجای تولید یک مقاله، نتایج را در سه مقاله مجزا منتشر کند به شرح زیر، و اولی را در یک مجله مرتبط با اعتیاد، دومی را در یک مجله مرتبط با علوم اجتماعی، و سومی را در یک مجله مرتبط با روانشناسی منتشر کند:

یک. بررسی شیوع اعتیاد در دختران فراری در شهر لاهور پاکستان

دو. بررسی شیوع دزدی در

سه. بررسی شیوع تن فروشی در

پر واضح است که پژوهشگر عزیز ما در اینجا به وضوح مرتکب Salami Publication شده است زیرا جامعه مورد مطالعه، نمونه، سوال و یا ابجکتیو پژوهش و متدلوژی مطالعه یکی بوده است.

در اینجا مثالی عینی دیگر را ارائه می کنم که قضاوت در مورد تصمیم گیری نهایی برای ارتکاب یا عدم ارتکاب به سلامی پابلیکیشن را به خواننده واگذار خواهد کرد:

فرض کنیم که من یک متخصص بیماری های داخلی شاغل در یکی از بیمارستانهای هندوستان هستم. یک بیمار با علائم متعددی از اختلالات دستگاه کلیه، اختلالات کبدی، اختلالات سیستم مغز و اعصاب، و اختلالات قلبی مراجعه می کند که قابل انتساب به یک سندرم یا بیماری شناخته شده نیست و بعد از مطالعه کامل این بیمار و تشخیص نهایی، به این نتیجه می رسیم که ایشان مبتلا به یک بیماری بسیار نادر شده است که تا بحال در دنیا کمتر از یکصد مورد از آن شناسایی شده است و همه مواردی از این بیماری که تا بحال گزارش شده اند متعلق به منطقه ای در شمال ژاپن بوده اند و تا بحال سابقه نداشته که این بیماری در جایی دیگر از دنیا مشاهده بشود و ما اولین کیس این

بیماری را مثلا در شهر بمبئی هندوستان کشف کرده ایم. برای انتشار نتایج این پژوهش می توانم یکی از دو سناریوی زیر را اجرا کنم:

سناریوی اول: من می توانم با خودم محاسبه کنم و تصمیم بگیرم که اختلالات مشاهده شده در دستگاه مغز و اعصاب این بیمار را بعنوان یک مقاله کیس ریپورت به یک مجله و اختلالات کلیه و قلب و کبد را هم به مجلات دیگری بعنوان کیس ریپورتهای جداگانه ای ارسال و منتشر کنم. همین کار را هم می کنم و این مقالات را به چهار مجله معتبر دنیا در زمینه مغز و اعصاب، بیماریهای کبد، بیماریهای کلیه، و بیماریهای قلب ارسال می کنم. از آنجایی که آن مجلات برخلاف تصور قبلی من جزو مجلات عضو COPE یا Committee on Publication Ethics هستند، بنابراین یکی از مواردی که حتما به آن توجه خواهند کرد ضوابط شناسایی و حذف مقالاتی است که احتمال دارد حاصل عملیات Slicing بر روی یافته های یک پژوهش یکتا باشند. بنابراین مجله مغز و اعصاب به من ایمیل می فرستد و باتوجه به آنکه آن کیس بیماری خاص همه می دانند که دارای نشانه هایی در دستگاه قلب و کلیه و کبد هم هست، از من سوال می کند که چرا من در مقاله کیس ریپورتم فقط به یافته های مغزی این بیمار اشاره کرده ام؟ پس کو بقیه یافته های کلیوی و کبدی و قلبی این بیمار؟ از قضا هر سه مجله دیگر هم همین کار را می کنند و چهار مقاله من عملا مردود می شود.

دراین مرحله قدری جستجو می کنم و می بینم که چهار مجله دیگر هستند که خیلی سختگیر نیستند. من هم از خدا خواسته و هرکدام رابه یکی از این چهار مجله سهل گیر ارسال میکنم و بمدت کوتاهی هرچهار مقاله خودم را منتشر شده در قاب قرارداده و در دیوار اتاقم آویز می کنم. چرا که نه؟ احتمالا نتایج این بیماری تازه مشاهده شده را در چهار کنفرانس جداگانه هم در دانشگاه های مختلف به عنوان سخنرانی ارائه می دهم و خلاصه اینکه با همین یک کیس ریپورت کوچولو چندین مقاله و کنفرانس و همایش و سمینار و را برای خودم ردیف میکنم.

سناریوی دوم: ممکن است سناریو را طوری دیگر طراحی و اجرا کنم. بعد از آنکه اولین مجله به من یادآوری می کند که این موضوع سلامی پابلیکیشن است و لازم است که کلیت کیس ریپورت در قالب یک مقاله واحد منتشر بشود، من از مجله و همچنین از سایر پژوهشگران و نویسندگانی که تجربه موثر داشته اند مشورت می گیرم و نهایتا به این نتیجه می رسم که بجای آنکه چهار مقاله آبکی یا نیمه آبکی را در چهار مجله آبکی یا نیمه آبکی منتشر کنم، بجای آنکه دیدی کاسبکارانه به موضوع داشته باشم، تنها به رشد علم فکر کنم و آن کاری را که لازم است انجام بدهم همانکار را بصورت استاندارد انجام بدهم. نتیجه آن خواهد شد که احتمالا مجله ای بسیار معتبر از بین مجلات پیشروی علوم پزشکی درجهان، مقاله واحد من را که از این کیس تهیه شده است را منتشر می کند. درانتهای این داستان، من نمی خواهم پیش داوری کنم که کدامیک از دو اقدام و دو سناریوی فوق بهترین نتیجه را برای من یا هر پژوهشگر دیگری در پی خواهد داشت، ولی قضاوت را به خواننده واگذار می کنم.

نمونه ای از انتشار اخلاقی و سالم دو مقاله ازدرون یک طرح پژوهشی:

درانتها یک مثال عینی از یک پژوهش را بیان می کنم که پژوهشگر می تواند (و گاهی چاره ای جز این هم ندارد) که ازیک پژوهش دو عدد مقاله اورجینال تهیه کند.

فرض کنیم که ما یک پژوهشی را می خواهیم درحوزه روانشناسی یاعلوم اجتماعی یا علوم آموزشی انجام بدهیم. در این پژوهش هرچه گشته ایم نتوانسته ایم پرسشنامه مناسبی برای جمع آوری داده ها را که دیگران قبلا تهیه کرده باشند را پیدا کنیم و استفاده کنیم و یا به هر دلیل دیگری لازم بوده است که خود پژوهشگر بیاید و یک

پرسشنامه تخصصی مرتبط با سنجش متغیرهای مورد مطالعه را طراحی کند. در این مسیر پژوهشگر می آید و در طی یک پژوهش مقدماتی نفس گپرو چند مرحله ای ، اقدام به طراحی پرسشنامه استاندارد و valid سازی آن می کند. و در مرحله نهایی از همین پرسنامه برای جمع آوری داده ها استفاده میکند. این پژوهشگر محترم ، از آنجایی که توانسته است یک Measurement Tool جدید را طراحی کند، می تواند و البته کاری بسیار خوب خواهد بود که بیاید و این فرایند چند مرحله ای را که منجر به تولید این ابزار سنجش جدید (همان پرسشنامه مورد نظر) شده است را در قالب یک مقاله اورجینال منتشر کند و یافته های پژوهش اصلی را هم بعدا در قالب یک مقاله دیگر منتشر کند. فراموش نکنیم که طراحی یک ابزار سنجش Valid که تمام مشخصات یک ابزار سنجش معتبر را داشته باشد (در مثال فوق، همان پرسشنامه) اهمیتی دقیقا به اندازه کسی دارد که رفته است و وزنه را برای سنجش وزن و خطکش را برای سنجش سانتیمتر اختراع کرده است.

پایان مطلب

رعایت اخلاق انتشار: این مستند تا اطلاع ثانوی برایگان توزیع می شود. هرگونه کپی برداری از بخشهایی یا تمام این مستند ممنوع است. استناد به مطالب این مستند با ذکر کامل نام نویسنده و آدرس وبسایت نویسنده و ارجاع صحیح به مستند بلامانع است.

خواهش و یادآوری: پژوهشگر محترم و خواننده این مستند آموزشی، با عرض پوزش، امکان پاسخگویی به سوالات اختصاصی شما از طریق ایمیل و یا راهنمایی اختصاصی بر روی ارتقای کیفیت مقاله یا هر نوع همکاری علمی دیگر مرتبط با موضوع مستند منتشر شده، حتی در قبال دریافت حق الزحمه وجود ندارد. خواهشمند است از ارسال هر گونه ایمیل و درخواست همکاری پژوهشی به نویسنده این مستند آموزشی خود داری شود.